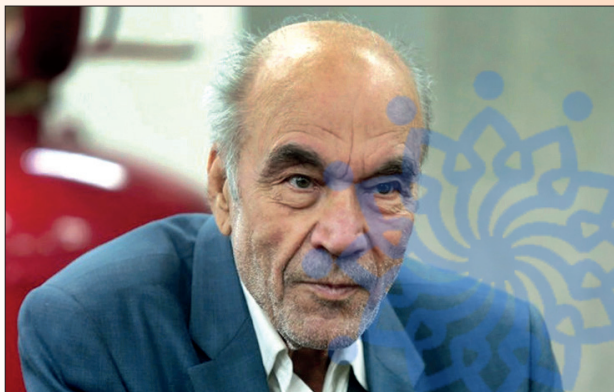


دکتر رضا داوری اردکانی در گفت و گوی اختصاصی با مفاخر ماندگار:

انجمن مفاخر از فرهنگ کشور پاسداری می کند



صدرا صدوقی

«دکتر داوری اردکانی همیشه یک استاد و یک معلم بوده است و اگر امروز هم اقتضا کند، باز هم درس می دهد و تا آخرین لحظات از پرورش شاگرد و تدریس و دانشگاه دست برنداشته و نمی دارد و شاگردان زیادی را پرورانده است که امروز اکثر این شاگردان، خود از استادانند...؛ دکتر داوری یک نویسنده و مؤلف است. ایشان نویسنده بسیار توانایی است و قلم خیلی خوبی هم دارد و از جوانی تا به حال قلم فرسایی کرده و مقالات خوبی نوشته است. بسیاری از آثار ایشان با مسائل روز در ارتباط است...ایشان در سمتهای علمی- فرهنگی که داشته است، یعنی در مدیریت گروه فلسفه دانشگاه تهران، در ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران و در دوره ریاست فرهنگستان علوم، مدیریت بسیار خوبی از خود نشان داده است. هر جایی که ایشان مدیریت داشته، موقعیت علمی و فرهنگی آن را به خوبی حفظ کرده است. دکتر داوری همچنین مشاور خوبی در امور علمی و فرهنگی هستند. من در جلسات بسیار زیادی با ایشان شرکت کرده و با هم بوده ایم و همیشه پیشنهادهای مهم و جامع و کارآمدی از جانب ایشان مطرح شده است که بسیار کارگشا بوده و هست.» این ها جملاتی

کوتاه اما گویا و جامع از زبان دکتر غلامرضا اعوانی رئیس سابق موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران است که در وصف شخصیت علمی و عملی استاد دکتر رضا داوری اردکانی بیان شده است.



از دیدگاه جنابعالی معنا و گستره مفاخر چیست و مهمترین معیار و شاخصه های شناسایی مفاخر فرهنگی را در چه می دانید؟

آدمی به این جهان خوب و بد بستگی دارد و کسانی را که در قوام آن اثر گذاشته اند بزرگ و مایه فخر می داند. مفاخر کسانی هستند که در علم و فرهنگ و هنر و سیاست و اخلاق سخن نو پیش آوردند و بنیاد تازه نهاده و اسوه مردمان شده اند. بخشی از گذشته آدمیان و تاریخ آنها به مفاخر تعلق دارد زیرا مفاخر پشتوانه همبستگی نظام های زندگی و دوام جامعه ها و کشورها هستند و عجیب نیست که

در گفت و گوی اختصاصی با ریاست

بعضی مورخان کتاب‌های تاریخی که نوشته‌اند تاریخ مفاخر است.

به نظر جنابعالی مفاخر علمی و فرهنگی یک کشور چه رابطه‌ای با هویت و خودباوری آن ملت و کشور در فرآیند جهانی‌سازی دارند؟

مفاخر گرچه از میان قوم خاص برمی‌خیزند و در فرهنگ پرورش می‌یابند ممکن است تنها به قوم خود تعلق نداشته باشند بلکه مفخر جهان و انسان و آدمیان باشند. بعضی از اینان مایه وحدت و پیوستگی مردمان می‌شوند و راهنمای زندگی و واسطه ارتباط میان اقوام و کشورها می‌شوند. از منظر جنابعالی در کنار اهمیت ابعاد تخصصی و حرفه‌ای یک مفخر علمی و فرهنگی، توجه به ابعاد هویتی این چهره‌ها آیا می‌تواند موجب ارتقای فرهنگ عمومی و اعتلای هویت قومی و ملی کشور شود؟ آیا اساساً چنین توجهی در کشور صورت می‌گیرد؟

مردمان با مفاخرشان به طور کلی دو رابطه متفاوت می‌توانند داشته باشند یکی اینکه به آنها بنازند و وجود آنان در گذشته و حال را کافی برای رفع همه مشکل‌ها و حل مسائل بدانند. یعنی به آنچه دارند اکتفا کنند و بنازند و خود را از کار و کوشش و نگاه به آینده معاف بدانند. یک نسبت دیگر نسبت درک عظمت مفاخر و پیروی از آنان برای نزدیک شدن به آنهاست. این گروه است که مفاخر را می‌شناسد و می‌کوشد و در کار و راه خود از ایشان مدد می‌گیرد اما آنان که مفاخر خود را وسیله فخرفروشی به این و آن می‌کنند و می‌پندارند که در سایه آنان می‌توانند اعتباری کسب

کنند، محروم می‌مانند. به مفاخر باید تقرب کرد و آنها را عزیز داشت. با این تقرب و عزیز داشتن بعضی گشایش‌ها در زندگی و سیاست هم حاصل می‌شود اما اگر مردمی بخواهند کار سیاست و جامعه را صرفاً به مدد مفاخر پیش ببرند به جایی نمی‌رسند و از مفاخر هم دور می‌شوند.

در کنار پاسداشت مفاخر؛ ارائه الگوهای عملی بر مبنای شخصیت این بزرگان به نسل جوان اهمیت قابل توجهی دارد؛ جنابعالی به عنوان رئیس فرهنگستان علوم ایران و چهره ماندگار عرصه حکمت از روند این الگوسازی‌ها رضایت دارید؟

البته مفاخر مایه اعتماد به نفس مردمان و اسوه ایشانند و اگر یاد و نامشان ماندگار شده است از آن روست که رسم و راهشان پذیرفته شده است و حرمت دارد ولی توجه کنیم که الگوسازی کاری بس دشوار است. دانشمندان ما باید به رازی و بیرونی و ابن سینا و ... تأسی کنند اما این تأسی به معنی تقلید از آراء و اقوال و اعمال آنان نیست. آنان تعلق خاطر به دانش و دانایی داشتند و به مقام بزرگ رسیدند. ما نیز اگر بتوانیم از روح آنان مدد بگیریم، راه آنان را به نحوی ادامه می‌دهیم.

اجازه بفرمایید در پایان از زبان جنابعالی ارزیابی داشته باشیم؛ از انجمن آثار و مفاخر فرهنگی که پیش از انقلاب اسلامی، انجمن آثار ملی نامیده شد؛ آیا پیش از انقلاب با انجمن ارتباطی داشتید؟

من پیش از انقلاب نسبتی با انجمن مفاخر نداشتم اما بعضی از آثار خوبی را که چاپ کرده بود می‌شناختم و می‌خواندم. این را هم می‌دانم که دانشمندان بزرگی عضو آن بوده‌اند. این انجمنی هم که امروز وجود دارد کارهای بزرگ کرده است و همچنان با همت بیشتر راه اسلاف را می‌پوید. از خداوند توفیق مسئولان و مدیران این سازمان را که از بزرگان دانش و ادب کشورند خواستارم.

از نظر جنابعالی، پس از پیروزی انقلاب، روند پیشرفت فعالیت‌های انجمن چگونه است؟

پس از انقلاب و بخصوص در زمانی که استاد دکتر محقق به ریاست آن منصوب شدند. پیشرفت کار بهتر و سازمان یافته‌تر شده و با آمدن آقای دکتر بلخاری این فعالیت ادامه یافته و کارهای خوب و اساسی صورت گرفته است. وقتی دانشمندان در رأس سازمان‌های علمی باشند آن سازمان می‌تواند کارهای بزرگ بکند. با هیچ ملاحظه‌ای جاهل را نباید در رأس مرکز علمی گذاشت.

جایگاه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی را در سپهر فرهنگی ایران چگونه ارزیابی می‌فرمایید؟

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی سازمان مهم و معتبر فرهنگی است و از فرهنگ کشور پاسداری می‌کند و به این جهت قدر آن را باید دانست. خوشحالم که در سال‌های اخیر کارهای خوبی در نشر آثار خوب و اعزاز و اکرام دانشمندان و محققان صورت گرفته است.